

#### تخلفات دبیرکل در حزب جمهوری

۱۰. بخشی از تخلفات آقای رسول منتجب‌نیا که موجب بروز اشتقاق در این حزب و زمین‌گیرکردن آن شده به شرح زیر است:
۱. غصب عنوان دبیرکلی به‌صورت غیرقانونی و مانعانت از برگزاری جلسه شورای مرکزی برای انتخاب دبیرکل و مسئولان واحدهای حزب به صورت قانونی
۲. نقل‌قول کذب از قول کمیسیون ماده قانون فعالیت احزاب و خیانت در امانت و دستکاری در اساسنامه مصوب مجمع عمومی و دادن اختیارات شورای مرکزی به دبیرکل.
۳. اقدام به اختراع کمیته‌ها و شاخه‌های غیرقانونی برخلاف اساسنامه و بدون تصویب شورای مرکزی
۴. اقدام به عزل‌های غیرقانونی و مغایر اساسنامه بدون تصویب شورای مرکزی.
پنج. اقدام به نصب‌های غیرقانونی و مغایر اساسنامه بدون تصویب شورای مرکزی
۶. پنهان‌کاری و نوشتن نامه‌های مخفیانه به کمیسیون ماده ۱۰ و ارائه اطلاعات صددردص کذب به کمیسیون بدون اطلاع شورای مرکزی
۷. نوشتن نامه به اعضای شورای مرکزی منتقد خود و زدن اتهامات زیر به اعضای اکثریت منتقد خود: «ضداسلام، ضدانقلاب، ضدنظام، ضدامام، ضدروحانیت، دارای پرونده‌های سیاه و زشت، شاید، کذاب، فتنه‌انگیز، شهرت‌طلب، نامتعادل روحی، فاسق، فاجرو و ...»
۸. سوءاستفاده از عنوان غیرقانونی دبیرکلی و سربرگ و مُهر حزب و نوشتن نامه‌های گوناگون به نهادهای مختلف و ادارات و سازمان‌های محل کار اعضای شورای مرکزی و درخواست بی‌کارکردن آنان!!!! جناب آقای دکتر عارف، در نشست‌ی که به اتفاق آقای مرتضی نوروزپور، افشین زبردست، محسن طریفیان، اسفندیار عبدالهی و امیرتیمور طاهری با حضرت‌عالی داشتیم، وقتی من عرض کردم که آقای منتجب‌نیا در نامه‌های مختلف و قابل‌های صوتی موجود از ایشان چنین اتهامات کذب و تکان‌دهنده‌ای را به اعضای محترم شورای مرکزی زده است، شما فرمودید که آقای منتجب‌نیا در نامه‌هایی به شما (کمیسیون ماده ۱۰) نیز چنین اتهاماتی را به منتقدان خود زده است!!!!
۹. ادعای کذب برگزاری مجازی جلسه شورای مرکزی که با تکذیب اکثریت اعضای شورای مرکز کذب‌بودن آن مسلم شد
۱۰. آقای منتجب‌نیا با اینکه هر هفته جلسات گوناگونی را با حضور دوستان خود در فضای بسته منزل خود برگزار می‌کند، اما از برگزاری جلسات شورای مرکزی در فضای باز و با رعایت دقیق‌ترین پروتکل‌های بهداشتی مانع می‌شود و با بی‌اعتنایی کامل به آخرین نام کمیسیون به حزب مبنی بر ضرورت برگزاری جلسه شورای مرکزی مانع برگزاری جلسه شورای مرکزی شده و تلاش کرده است که با دعوت برخی افراد به منزل خود و تحت فشار قراردادن آنان امضاهایی برای تثبیت مادام‌العمر خود بگیرد و آن را به جای مصوبه شورای مرکزی به کمیسیون ارسال کند که اکثر اعضای محترم شورای مرکزی به او نه گفته‌اند!

**دو خواسته اعضای شورای شورای مرکزی حزب جمهوری‌از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب**

۱. اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری‌از کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب می‌خواهند که رسماً و مستند به قانون احزاب اعلام کنند که حزب جمهوری‌از چه تاریخی مجاز به انتخاب دبیرکل و واحدهای قانونی حزب بوده است؟
۲. اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری‌از کمیسیون ماده ۱۰ قانون فعالیت احزاب می‌خواهند که مساعدت لازم را برای برگزاری جلسه رسمی شورای مرکزی به‌صورت حضوری و با حضور نماینده کمیسیون و با دستور جلسه اصلاح اساسنامه مورد درخواست کمیسیون، انتخاب دبیرکل و واحدهای قانونی حزب مبذول فرمایند.

سیدابراهیم رئیسی گفت: دادگستری باید فصل‌الخطاب باشد و اگر قرار باشد کسی به دادگستری مراجعه کند، گرفتاری او پیچیده‌تر شود، کار ما بی‌فایده است. رئیس قوه قضائیه که در ادامه سفرهای استانی خود به کرمانشاه رفته بود، در شورای قضائی استان کرمانشاه تصریح کرد: مردم با آمدن رئیس قوه قضائیه به استانشان با هزار امید و آرزو نامه می‌نویسند؛ تک‌تک نامه‌ها باید خوانده و پاسخ مناسب داده شوند و هیچ نامه‌ای حتی یک نامه نباید بی‌پاسخ بماند. وی با اشاره به اطاله دادرسی در برخی پرونده‌ها اظهار کرد: دادگستری باید فصل‌الخطاب باشد و اگر قرار باشد کسی به دادگستری مراجعه کند و مسئله‌اش حل نشده یا گرفتاری او پیچیده‌تر شود، کار ما بی‌فایده است.
رئیی افزود: برخی وکلا با ترندهای مختلف روند رسیدگی به پرونده را پیچیده می‌کنند اما ما باید بیج‌ها را باز کنیم و اجازه ندهیم دادرسی‌ها با احاله کار به همدیگر فرسایشی شود. رئیس قوه قضائیه تأکید کرد: دادگستری آخرین سنگر

## سیاست

#### رئیس قوه قضائیه:

## تنها راه پیش‌روی ما عقب‌راندن دشمن و خنثی کردن تهدیدات است

مراجعه مردم و مرجع گره‌گشایی از مشکلات حقوقی و قضائی آنهاست که اگر رسیدگی نشود، ملجا و پناه دیگری برای مراجعه ندارند.
رئییی افزود: مسائل اقتصادی و مشکل بی‌کاری و کرونا مردم را تحت فشار قرار داده و همکاران دستگاه قضا باید با رسیدگی به‌موقع و دقیق به کار مردم نگذارند آنها دست خالی بروند و فشار دیگری را محتمل شوند.
رئیس دستگاه قضا یادآور شد: مقام معظم رهبری در توصیه‌هایی به مسئولان بهداشت و درمان تأکید کردند بیماری که به مرکز درمانی مراجعه می‌کند، درد دارد که باید دردش را درمان کرد و نباید بر رنج و درد او افزوده شود.
رئییی ادامه داد: کسی که به دادگستری مراجعه می‌کند نیز دردمند است که با حقی از او تضییع شده یا مورد ظلم واقع شده یا مشکل خانوادگی دارد و نباید برای درمان دردش مجبور شود هرروز به عدلیه مراجعه کند.
رئیس قوه قضائیه گفت: وقتی قاضی به دلایلی نمی‌تواند درباره یک پرونده قاطع و سریع تصمیم بگیرد، سایر اجزای عدلیه باید او را یاری کنند

#### روایت باهنر از تخریب هاشمی توسط احمدی‌نژاد

# مأمور یا مسئول؟ مسئله این است



عکس: محمد باهنر، رئیس‌جمهور سابق ایران

۵،۳ مهرعلیزاده ۲،۳ و محسن رضایی ۱،۸. حتی پیش‌بینی می‌شد که اگر انتخابات به دور دوم کشیده شود، هاشمی و معین باید مجدداً به رقابت بپردازند. اگرچه همان زمان گفته می‌شد که در مناطق شمالی تهران، مصطفی معین موفق به کسب آرای بیشتری شده است. برخلاف اصولگرایانی که بعد از مرحله نخست، در برابر گزینه هاشمی- احمدی‌نژاد به سمت دومی رفتند، بعضی اصولگرایان بودند که از همان ابتدا از احمدی‌نژاد حمایت کردند. آیت‌الله مصباح یزدی و شاگردانش از همان ابتدا و پیش از مرحله نخست بیانیه‌ای حمایتی دادند که امضاکنندگان آن به «علماء‌صباحی» مشهور شدند. در آن بیانیه آمده بود: امضاکنندگان بر این باورند که مقبولیت احمدی‌نژاد نزد نیروهای بدنه جبهه اصولگرایان و عامه مردم کوچه و بازار از دیگر نامزدهای اصولگرا رشد بالایی داشته است. در این بیانیه با اشاره به فرازهایی از رهنمودهای امام خمینی (ره) مبنی بر ضرورت تحقیق برای رأی‌دادن، نوشته شده: «اگر در صلاحیت شخصی یا اشخاصی، تمامی افراد و گروه‌ها نظر موافق داشتند ولی رأی‌دهنده تشخیصش برخلاف همه آنها بود، تبعیت از آنها صحیح نیست و نزد خداوند مسئولیت دارد و اگر گروه یا اشخاصی، صلاحیت فرد یا افرادی را تشخیص دادند و از این تأیید، برای رأی‌دهنده اطمینان حاصل شد، می‌تواند به آنها رأی دهد».

۳۱ خرداد و درحالی‌که شورای هماهنگی نیروهای انقلاب در مواجهه هاشمی و احمدی‌نژاد، در آستانه دور دوم انتخابات ظاهراً اعلام بی‌طرفی و آتش به اختیاری کرده بود؛ اما احمدی‌نژاد با قدرت اخطار می‌داد که تمام تشکل‌های ریزدوشت شورای هماهنگی و جبهه پیروان خط امام و رهبری باید از آن مجموعه‌ها خارج شده و به جریان آبادگران که خود وی در رأس آن است بپیوندند. والا نباید هیچ‌گونه انتظاری از دولت او داشته باشند. این تهدید باعث شد که بسیاری از اصولگرایان مردد سراسیمه به همکاری با احمدی‌نژاد پرداختند. در همه سال‌های بعد به‌ویژه در بزنگاه ۸۸ هم که این تقابل‌ها تشدید شد، اصولگرایان باز کنار احمدی‌نژاد ماندند نه هاشمی. تا جایی که در آن تقابل، وقتی هاشمی فرصت سنجی‌نبود به هجمه‌ها و حملات احمدی‌نژاد- به

و رسانه‌هایشان به‌ویژه صداوسیما از احمدی‌نژاد برای مردم ساخته بودند. بکه‌تزاری احمدی‌نژاد- در برابر هاشمی فقط به اعتماد توانایی شخصی خودش نبود، سیات آفتاب‌نیز، ۲۹ خرداد از جلسه‌ای خبر داده بود که به نماینده قالیباف گفته شده بود ترجیح اصولگرایان از امروز احمدی‌نژاد است نه قالیباف و بعد از آن‌هم قالیباف با قهر سیاسی از آنان، تصمیم گرفت مستقل پا به عرصه رقابت بگذارد. آفتاب‌نیز نوشته بود پس از این معامله سیاسی، به همه ستادها دستور داده شد که سراسر کشور برقرار ارتباط با سرعقله‌های «ستادها» و مجموعه‌های تحت امر، آرای سیستماتیک به نفع احمدی‌نژاد داده شود. در ظاهر هم اگرچه شورای هماهنگی نیروهای انقلاب به علت تعدد نامزد، آتش به اختیاری اعلام کرده بود؛ اما صداوسیما خط خود را می‌رفت و از یک نفر حمایت می‌کرد. تبلیغات گسترده برای احمدی‌نژاد، از او تصویری در شمایل یاران رجایی ارائه می‌کرد و وجهه عدالت‌خواه او را در نظر مردم با پخش تصاویری از دیدار مردمی احمدی‌نژاد و مصاحبه و خبر، با اغراق در آن قوت می‌بخشید.

۳۱ خرداد و درحالی‌که شورای هماهنگی نیروهای انقلاب در مواجهه هاشمی و احمدی‌نژاد، در آستانه دور دوم انتخابات ظاهراً اعلام بی‌طرفی و آتش به اختیاری کرده بود؛ اما احمدی‌نژاد با قدرت اخطار می‌داد که تمام تشکل‌های ریزدوشت شورای هماهنگی و جبهه پیروان خط امام و رهبری باید از آن مجموعه‌ها خارج شده و به جریان آبادگران که خود وی در رأس آن است بپیوندند. والا نباید هیچ‌گونه انتظاری از دولت او داشته باشند. این تهدید باعث شد که بسیاری از اصولگرایان مردد سراسیمه به همکاری با احمدی‌نژاد پرداختند. در همه سال‌های بعد به‌ویژه در بزنگاه ۸۸ هم که این تقابل‌ها تشدید شد، اصولگرایان باز کنار احمدی‌نژاد ماندند نه هاشمی. تا جایی که در آن تقابل، وقتی هاشمی فرصت سنجی‌نبود به هجمه‌ها و حملات احمدی‌نژاد- به

## هاشمی؛ مخالف دوقطبی‌سازی افراطی

محسن هاشمی ادامه داد: «قراردادن شعار در برابر شعور، ارزش‌ها در برابر علم، انقلابی‌گری در برابر میانه‌روی سنجیده‌ای جز افراطی‌کردن حکومت و ورژش پایگاه اجتماعی انقلاب ندارد و بسیاری از پدیده‌هایی که امروز در نسل جوان می‌بینیم، ناشی از همین عملکرد غلط توسط افراطیون در گذشته بوده است. ایشان مکرراً می‌گفتند که نباید اهداف و آرمان‌های انقلاب را به‌گونه‌ای تعریف کنیم که برای تحقق آن، به مردم و کشور آسیب زده شود و باید به‌گونه‌ای حرکت کنیم که اهداف انقلاب را به‌گونه‌ای محقق کنیم که معیشت عمومی و زندگی مردم و همچنین آینده ایران آسیب نبیند».
رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز در این مراسم به وضعیت بی‌نظیر اقتصادی دوره ریاست‌جمهوری هاشمی-رفسنجانی اشاره کرد و گفت: «حتماً به خاطر دارید که در سال ۶۷ در تهران روزانه سه الی چهار ساعت قطعی برق و آب داشتیم که آیت‌الله هاشمی در دوران دولت خود نهنه‌تأ این مشکل را برطرف و حل کردند. بلکه زمینه تحقق یک رشد اقتصادی بی‌سابقه برای کشور را فراهم آوردند؛ یعنی حتی برنامه سوم توسعه‌که برنامه موفقی بود، در جایی متوقف ماند

#### گامی در مسیر شناخت رفتار مفسدانه

علاوه بر این حتی ممکن است فرد موردنظر دارایی‌های ارزشمندی را به نام اعضای خانواده یا افراد معتمد خود به ثبت رسانده باشد.

چندی پیش در بررسی یک پرونده فساد، فرد متهم ادعا کرد دوستانی دارد که اگر بخواهد، صدها میلیارد تومان دارایی به نامش سند می‌زنند. در اصل این دوستان همان افراد معتمد هستند که او و امثال او اموال کسب‌شده از مسیر فساد را به نام آنان به ثبت رسانده‌اند. به این ترتیب ملاک و معیار مالکیت در جامعه امروزمان وجود سند مکتوله‌دار به نام فرد نیست، بلکه هر آن چیزی که در اختیار فرد است و درصورت لزوم می‌تواند تبدیل به احسن کند و با خود ببرد، دارایی او تلقی می‌شود!

سرفصل دیگری از دارایی‌ها که در جامعه ما بیشتر از برخی جوامع دیگر مفهوم و معنی پیدا می‌کند، برخورداری از ارتباطات و مناسبات قدرت است. فکرش را بکنید. امروزه یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های بسیاری از پدرها و مادرها در کشورمان آینده شغلی فرزندانشان است؛ آیا فرزندان‌شان که اینک در بهترین دانشگاه کشور در حال تحصیل است، خواهد توانست شغل آبرومندانه‌ای مرتبط با تخصصش بیابد. تا مجبور به دست‌فروشی در مِثرو نشود؟ در چنین شرایطی فلان فرد متنفذ و مدعی پاک‌دستی، هرچند سند هیچ ملک نجومی به نامش صادر نشده اما هرگز چنین اضطراب پدرانه‌ای را تجربه نکرده است، زیرا او همواره می‌تواند برای فرزند جوانش با یک تماس تلفنی شغل بسیار مرغوب اعم از مدیریت فلان شبکه تلویزیونی یا عضویت در هیئت‌مدیره فلان شرکت بزرگ بیابد. آیا چنین فردی می‌تواند نداشتن هیچ‌گونه املاک و مستغلات را به‌عنوان نشان پاک‌دستی خود مطرح کند؟

امروزه مؤسسات ریز و درشت خبریه که توسط برخی افراد «خاص» راه‌اندازی می‌شوند نیز گاه به‌عنوان محملی برای محقق نگه‌داشتن اموال و دارایی‌های کسب‌شده از طرق غیرقانونی مورد استفاده قرار می‌گیرند. فرد با عنوان بنیان‌گذار مؤسسه می‌تواند با مراجعه به نهادهای حکومتی و دولتی امتیازات آن چنانی برای مؤسسه کسب کند، زیرا درآمد ناشی از این امتیازات مثلاً صرف کار خیر خواهد شد، اما کافی است فقط درصدی اندک از این درآمد مستقیم در اختیار فرد مؤسس و خانواده‌اش قرار بگیرد که البته چندان توجه نهادهای نظارتی و رسانه‌ها را جلب نخواهد کرد. علاوه بر این فرد مؤسس ممکن است در آینده با تمهیدات خاصی اقدام به تبدیل به احسن دارایی‌ها مؤسسه بکند. معمولاً کمترین برخورداری این‌گونه افراد مدعی خیرات، ایجاد فرصت شغلی پردرآمد و بایئات برای خود و فرزندان و حتی نوادگان است؛ ازاین‌رو اگر فرد مدعی پاک‌دستی ادعا کرد که هیچ ملک و املاکی ندارد، باید از او درباره مؤسسه خبریه‌ای که احتمالاً با ثبت خدمت به بندگان خدا تأسیس کرده، پرسید.

مورد مهم دیگر از مفاهیم گرفتار کج‌فهمی و تعریف نارسا، استفاده از اموال عمومی بدون انگیزه نفع شخصی است. بارها در اخبار آمده است که مثلاً نخست‌وزیر لاکشور به‌دلیل بهره‌برداری از اموال دولتی به نفع حزب خود تحت تعقیب قانونی قرار گرفته است. به بیان دیگر آن مقام دولتی پول یا مالی را برای خود تملک نکرده و شخصاً سودی نبرده بلکه فقط اموالی را در اختیار حزب موردعلاقه‌اش گذاشته که در انتخابات آینده هزینه کند. چنین تخلفی در کشورهایی که رسانه‌های مستقل و توانمند دارند، به‌سرعت افشا و به‌صورت دقیق به آنها رسیدگی می‌شود؛ اما در کشور ما چنین رفتار نارسده‌ای آن چنان عمومیت یافته که قبح آن رخنه شده است. فردی که برای مثال اموال و امکانات سازمان تحت امر خود را صرف تبلیغ برای یک تفکر سیاسی کرده و به برنده‌شدن فلان نامزد انتخاباتی کمک رسانده است، در پایان دوره خدمت تازه به‌عنوان یک فرد پاک‌دست و خدوم قدر می‌بیند و بر صدر می‌نشیند! اینجا هم ادعای او این است که انگیزه نفع شخصی در کار نبوده و اموالی که مورد تاخت‌وتاز قرار گرفته، سر از یخچال خانه او درنیاورده‌اند. پس او خلاfi مرتکب نشده است!

در گاهی فراتر، حتی ساده‌زیستی و دوری از تجملات را هم نمی‌توان و نباید معیار دوری از رفتار مفسدانه دانست، زیرا انگیزه افراد از اقدامات مفسدانه لزوماً نه برخورداری شخصی است و نه حتی دستیابی به رفاه کوتاه‌مدت.

به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود بسیاری از مفاهیم اولیه مرتبط با رفتار مفسدانه در جامعه ما به بازتعریف نیاز دارند، تا حد و حدود رفتار مفسدانه برای شهروندان شناخته شده و حريم امنی که مفسدان در سایه تعاریف غلط و مبهم برای خود ساخته‌اند، شکسته شود.